

The Zionist Regime's Relations with the Kurdistan Region of Iraq and the Challenges Facing Iran (2011-2024)

Rashid Rekabian*¹, Sirous Khandan², Fatemeh Zaree³

Received: 2024/09/18
Accepted: 2024/12/15

Research Article

Abstract

Since the beginning of the formation of the Zionist regime in the occupied territory of Palestine, the policy of establishing and communicating with ethnic and racial minorities and influencing them has been part of the goals and strategies of the Zionist regime in the Middle East and provoking various tribes and clans was part of the Zionist conspiracy to limit the danger of countries that are not aligned with Zionist goals and create ethnic conflict in the Islamic world, which was crystallized within the framework of the Zionist regime's "peripheral strategy". After the fall of the Baath government in Iraq, the Iraqi Kurdistan Region became one of the targets of the occupying regime in Jerusalem, which has created significant problems for the Axis of Resistance to this day. This research aims to examine the relations between the Zionist regime and the Iraqi Kurdistan Region and the challenges that these relations have created for Iran and has been conducted in a descriptive-analytical manner. Therefore, the question is: What are the most critical challenges that the Zionist regime has created for the Islamic Republic of Iran by establishing relations with Erbil? Based on the Copenhagen School theory, the research findings are that challenges such as separatism, strengthening of hostile groups on Iran's borders, development of anti-security and intelligence activities in the region, and social unrest in Iranian society are among the most critical challenges mentioned.

Keywords: Iraqi Kurdistan Region, Islamic Republic of Iran, Security, Zionist regime

Rekabian, R., Khandan, S., & Zaree, F. (2024). The Zionist Regime's Relations with the Kurdistan Region of Iraq and the Challenges Facing Iran (2011-2024). *Journal of Political and International Research*, 16(61), pp.97-112.

¹ Associate Professor, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. (Corresponding author). Ra.rekabian@gmail.com

² Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. Abru.ac.ir@serOs.khan

³ Master of International Relations. Fatema.zaree@gmail.com



روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و چالش‌های پیش‌روی ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۴)

رشید رکابی^۱، سیروس خندان^۲، فاطمه زارعی^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱
--------------	---

چکیده

از آغاز شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در سرزمین اشغالی فلسطین، سیاست برقراری و ارتباط با اقلیتهای قومی و نژادی و نفوذ درون آنها، بخشی از اهداف و راهبردهای رژیم صهیونیسم را در خاورمیانه تشکیل می‌داد و تحریک اقوام و طوایف گوناگون جزئی از توطئه صهیونیسم برای تحدید خطر کشورهای ناهمسو با اهداف صهیونیستی و ایجاد نزاع قومی در جهان اسلام بود که در چارچوب "استراتژی پیرامونی" رژیم صهیونیستی تبلور یافت. اقلیم کردستان عراق بعد از سقوط دولت بعث در عراق به یکی از اهداف رژیم اشغال‌گر قدس تبدیل شده است که تا به امروز مشکلات قابل توجهی برای محور مقاومت ایجاد کرده است. این پژوهش با هدف بررسی روابط رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق، و چالش‌هایی که این روابط برای ایران ایجاد کرده است به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. بنابراین سوال این است که مهم‌ترین چالش‌هایی که رژیم صهیونیستی با ایجاد روابط با اربیل برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است چیست؟ یافته‌های تحقیق که بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ به دست آمده این است که، چالش‌هایی نظیر تجزیه‌طلبی، تقویت گروهک‌های معاند در مرزهای ایران، توسعه فعالیت‌های ضد امنیتی و اطلاعاتی در منطقه، ناآرامی اجتماعی در جامعه ایران از جمله مهم‌ترین چالش‌های یاد شده به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: رژیم صهیونیستی، اقلیم کردستان عراق، امنیت، جمهوری اسلامی ایران

رکابی؛ رشید، خندان؛ سیروس، زارعی؛ فاطمه (۱۴۰۳). روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و چالش‌های پیش‌روی ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۴). فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۱، صفحات ۹۷-۱۱۲.

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول). Ra.recabian@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران. Abbru.ac.ir@serOs.khan

^۳ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل. Fatema.zaree@gmail.com

مقدمه

نیاز به امنیت همواره از دغدغه‌های رژیم صهیونیستی^۱ بوده و بر این اساس، استراتژی‌های مختلفی را طرح ریزی کرده است. یکی از راهبردهای امنیتی^۲ این رژیم، بهره‌گیری از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل اقلیت‌های دینی و قومی در کشورهای پیرامون حوزه امنیتی بوده است. "دیوید بن گورین"^۳ اولین رئیس جمهور رژیم صهیونیستی به منظور تأمین امنیت دولت تازه تاسیس صهیونیستی در قلب منطقه استراتژیک خاورمیانه^۴ و خروج از انزوای مطلق در جهان عرب که سیاستهای متاخصمی را علیه دولت عبری در پیش گرفته بودند و همچنین افزایش توان بازدارندگی در قالب اتحاد با کشورها و اقلیت‌های پیرامونی غیر عربی، استراتژی "اتحاد پیرامونی"^۵ را مطرح ساخت. وی معتقد بود سیاست خارجی رژیم صهیونیستی باید متکی بر کشورهای پیرامون و غیر عرب باشد زیرا اسرائیل به دلیل اینکه در محاصره کشورهای عرب متخاصم قرار دارد امکان توسعه روابط سیاسی و اقتصادی را با همسایگان ندارد، لذا باید با کشورهای پیرامونی یا اقلیت‌های موجود در این کشورها مرتبط شود. در نتیجه این رژیم برای رها شدن از انزوا و محاصره از سوی دول عربی، در دهه ۱۹۵۰ مقدمات شکل‌گیری اتحاد با کشورهای پیرامونی غیر عرب مانند ترکیه، ایران و ایتوپی را پی ریزی کرد و برای گسترش روابط با این کشورها گام برداشت و به اقلیت‌های نهفته در کشورهای عربی نظیر مسیحیان و دروزی‌ها در لبنان و اکراد در سوریه و عراق توجه کرد.

در این راستا، وجود اقلیت کرد در عراق که در زمان حاکمیت "رژیم بعث"^۶ و نیز در مقاطع پیشین از حضور در عرصه‌ی سیاسی و حکومت داری محروم و همواره به عنوان اقلیتی ناراضی مطرح بوده، زمینه حضور و نفوذ صهیونیسم را برای بهره برداری و استفاده از این اقلیت به منظور مقابله با رژیم بعثی "صدام"^۸ و تجزیه سرزمینی آن فراهم ساخت. شرایط امروز خاورمیانه حکایت از اجرایی شدن نظریه "هرج و مرج سازنده"^۹ کاندولیزا رایس^{۱۰} دارد. اعلامیه آن زمان خانم رایس تأییدی بود بر وجود یک "نقشه راه نظامی" برای خاورمیانه به ابتکار انگلیس، آمریکا و اسرائیل. این پروژه، که سال‌ها بود در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی قرار داشت، عبارت است از: ایجاد هلالی از بی‌ثباتی^{۱۱}، هرج و مرج و خشونت^{۱۲} که از لبنان، فلسطین و سوریه آغاز شده و تا عراق، ایران و مرزهای افغانستان ادامه خواهد داشت. منطقه‌ای که "جغرافیای امنیتی ایران" به عنوان رهبر محور مقاومت اسلامی نیز نامیده می‌شود (Porter, 2023: 8-12).

انسجام و اتحاد ملت عراق همیشه مورد حمایت محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و منافع کشورهای عضو این محور اسلامی در تداوم حفظ تمامیت ارزش کشورهای یاد شده که از اکثریت قاطع کردها و شیعیان همسو با محور مقاومت تشکیل شده است قرار دارد. اما طی سالهای اخیر با عملیاتی شدن طرح آمریکایی-عربی گسترش جنگ و نا امنی در محور مقاومت (ایران، عراق، سوریه، لبنان) مشکل محور اسلامی سلطه امنیتی قدرتهای فرامنطقه‌ای و گسترش اندیشه‌های تروریستی وهابی‌گری در عراق و سوریه، همچنین تحمیل خواسته‌های نا مشروع آنها و ایجاد هرج و مرج و نا امنی، در این کشورها شده، که این اهداف، می‌تواند اوضاع امنیتی و ملی آنها را تحت تاثیر نامطلوب خود قرار دهد و اندیشه فدرالیسم در غرب آسیا را، در جهت تجزیه این کشورها سوق دهد. به همین منظور، این پژوهش با هدف بررسی روابط رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق، و چالش‌هایی که این روابط برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. بنابراین سوال این است که مهم‌ترین چالش‌هایی که رژیم صهیونیستی با ایجاد روابط با

¹ The Zionist regime

² strategy

³ Security strategies

⁴ David Ben-Gurion

⁵ The strategic region of the Middle East

⁶ Environmental Alliance

⁷ Baath regime

⁸ Saddam

⁹ The theory of "constructive chaos"

¹⁰ Condoleezza Rice

¹¹ Creating a crescent of instability

¹² Chaos and violence

ارویل برای جمهور اسلامی ایران ایجاد کرده است چیست؟ یافته‌های تحقیق که بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ به دست آمده این است که، چالش‌هایی نظیر تجزیه‌طلبی، تقویت گروهک‌های معاند در مرزهای ایران، توسعه فعالیت‌های ضد امنیتی و اطلاعاتی در منطقه، ایجاد نزاع‌های قومیتی و اجتماعی به ویژه برای ایران در اغتشاشات سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ از جمله مهم‌ترین چالش‌های یاد شده به شمار می‌رود.

۱- اهمیت پژوهش

با حضور نامشروع رژیم اشغال‌گر قدس در خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم، همواره این منطقه از آشوب‌ها و بحران‌های قومیتی و مذهبی در رنج بوده و امروزه این روند نیز ادامه دارد. یکی از این مناطق که پایگاه تلاویو در منطقه شده اقلیم کردستان عراق بعد از سقوط رژیم بعث عراق در منطقه است که تهدیدهای قابل توجهی در ادوار گذشته و آینده نیز برای جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد داشت لذا بررسی آکادمیک آن، می‌تواند راهبردهای قابل توجهی در اختیار دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد تا برای هرگونه تهدید، آمادگی پاسخگویی و مدیریت را داشته باشد.

۲- روش پژوهش

یافته‌های پژوهش در این مقاله به شیوه ای توصیفی - تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و مقالات مرتبط مورد سنجش قرار گرفته است. این روش به توصیف و تفسیر ابعاد و روابط موجود میان متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد که استدلالی بر فرضیه‌های تحقیق یا پاسخی به پرسش‌های پژوهش می‌باشد.

۳- پیشینه پژوهش

۱- حافظی پریسا و ازهارتی تیمور (۲۰۲۴). "سپاه پاسداران به "مرکز جاسوسی" اسرائیل در عراق حمله کرده و قول انتقام بیشتر می‌دهد". در این مقاله به واکنش جمهوری اسلامی ایران به ترور سردار سلیمانی و نقش رژیم صهیونیستی در ناامن سازی مرزهای ایران اشاره شده است که سپاه پاسداران به عنوان تاثیرگذارترین نیروی نظامی تهران و محور مقاومت، مراکز مهم آن‌ها را در اقلیم کردستان عراق مورد حملات موشکی خود قرار داده است. در این پژوهش با توجه به اشتراکات قابل توجهی که با مقاله حاضر دارد اما به کشورهای عراق-سوریه و نیز نقش رژیم صهیونیستی در ناآرامی‌های داخلی ایران اشاره‌ای نداشته است.

۲- راجرز ویتروپ (۲۰۲۴). "موقعیت سیاسی کردستان عراق در حال تضعیف شدن است". نویسنده در این مقاله به مواضع راهبردی اقلیم کردستان عراق در خاورمیانه اشاره کرده است. در این مقاله چند اشتباه مورد بررسی قرار گرفته است که اولین آن اعتماد و همکاری با آمریکا، عدم توجه به منافع کشورهای همسایه، عدم توجه به دولت مرکزی، کوتاهی در اوایل جنگ با داعش است. که اقلیم کردستان عراق را به سمت فروپاشی و منحل شدن سوق داده است. در این مقاله تاثیرات واگرایی اقلیم کردستان با جمهوری اسلامی ایران به دلیل همکاری کردن این منطقه با رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و باعث شده است که اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حیات خلوت کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن به ویژه رژیم صهیونیستی علیه محور مقاومت و ایران تبدیل شود.

۳- بحرانی وسام (۲۰۲۴). "برای امنیت منطقه، همگرایی رژیم صهیونیستی و اربیل مفید نخواهد بود". در این مقاله نویسنده به این نتیجه دست یافته است که بعد از ترور سرار سلیمانی و میزان حساسیت جمهوری اسلامی ایران به این موضوع، به منظور کاهش تنش‌ها در این منطقه باید میزان نفوذ و همگرایی کشورهای منطقه با تلاویو کاهش یابد. به همین منظور با پژوهش

حاضر اشتراکات قابل توجهی در این حوزه دارد اما آنچه که باعث وجه اختلاف بین این دو کار شده است، عدم توجه به نقش غرب و متحدان منطقه ای آن یعنی رژیم اشغالگر قدس در قبال ناآرامی های داخلی جمهوری اسلامی ایران است.

۴-نامدار فرهنگ فریدون (۲۰۲۳). "کردستان عراق و شکست سرمایه گذاری در روابط کرد و آمریکا-اسرائیل". نویسنده در این مقاله به بررسی سرمایه گذاری هایی که آمریکا و رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق انجام داده اند پرداخته است. چرا که دولتهای غربی و متحدان منطقه ای آن، اقلیم کردستان را به یک محیط امن، به منظور تاثیرگذاری بر ایران تبدیل کرده است. و بعد اقتصادی این کار باعث وجه تفاوت و اختلاف، با مقاله فعلی شده است. اما آنچه که باعث نوآوری و جدید بودن این کار با سایر مقالات شده، توجه بر اقدامات رژیم صهیونیستی بر ناآرامی های ایران به منظور تغییر نظام سیاسی و نیز قطع ارتباط بین جبهه اسلامی بوده است.

۴-چارچوب نظری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همواره دول غربی و رژیم صهیونیستی در صدد بوده اند که انقلاب ایران در منطقه را در انزوای مطلق قرار دهند تا کشورهای منطقه را تحت تاثیر اندیشه استقلال طلبی و مستقل بودن در ابعاد گوناگون، قرار ندهد. به همین منظور راهبرد همگرایی و اتحاد با نیروهای غیر دولتی و عمدتاً تروریست و دولتهای منطقه برای سیاست خارجی خود اتخاذ کردند. اقلیم کردستان عراق که از سال ۲۰۰۳ به عنوان یک منطقه خودمختار به شکل علنی در منطقه فعالیت دارد، یکی از بازیگرانی می باشد که رژیم صهیونیستی تلاش دارد از این منطقه به منظور حیات خلوت خود استفاده کند و تهدیدهای همه جانبه علیه مواضع و منافع جمهوری اسلامی ایران توسعه دهد. به همین منظور برای تحلیل عنوان مقاله و فرضیه کار از رویکرد باری بوزان و ویور تحلیل مباحث متعدد سیاست خارجی و داخلی از جمله مباحث امنیتی و سیاسی می باشد استفاده شده است.

اندیشیدن به امنیت و معضلات امنیتی به پیدایش مکاتب مختلف امنیتی منجر شده است. هر یک از این مکاتب، با توجه به مبانی و رویکردهای متفاوت به مفهوم سازی و تبیین ابعاد تحلیل چارچوب مفهومی امنیت پرداخته اند که حاصل آن مجموعه ای از ایده ها، روش ها و مطالعات موردی است که به «مطالعات امنیتی»^۱ مشهور شده است. داوری در این باره که کدام مکتب، فارغ از نگرش مؤسسان و طرفداران، بر دیگری برتری دارد آسان نیست، پیچیدگی و چندلایه بودن و تنوع عوامل مؤثر در ایجاد پایداری، زوال و یا نابودی امنیت، باعث شده است که هیچ یک از مکاتب موجود به رغم توان ادعایی، نتوانند همه زوایای موضوع را بررسی کنند و نوید بخش وضعیتی رضایت بخش باشند. ناتوانی در تبیین تمامی وجوه امنیت، همواره، عرصه را برای ظهور نظریات و مکاتب جدید باز گذاشته است که در نقد نظریات و مکاتب موجود و تلاش نظری و عملی برای بازنمایی وجوه مورد نظر، برای خود هویت سازی کرده اند (قیصری، ۱۳۹۲: ۲۸).

بر این اساس، یکی از برجسته ترین مکاتب که با ارائه تعریف چند بعدی از امنیت، جایگاه مهمی در مطالعات امنیتی به دست آورد، مکتب کپنهاک^۲ است. این مکتب با توجه به اینکه بر مطالعات امنیتی استوار است از اولین رهیافت هایی می باشد که به دنبال پایه گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است. یکی از مهم ترین چارچوب هایی که از جانب مکتب کپنهاک برای بررسی دقیق تر مطالعات امنیتی در سطح منطقه ای مطرح شده است، «نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای»^۳ است که توسط باری بوزان^۴ در کتاب «مردم، دولت ها و هراس»^۵ ارائه شد (طاهری و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). باری بوزان در این کتاب، امنیت اجتماعی را یکی از مهم ترین ابعاد پنج گانه امنیت معرفی کرده است. به این معنا که امنیت اجتماعی در کنار سایر ابعاد امنیت از

¹ Security Studies

² Copenhagen School

³ Regional Security Security Complex

⁴ Barry Buzan

⁵ People, States and Fear

جمله امنیت اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی و همچنین نظامی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، باری بوزان اشاره می‌کند که امنیت اجتماعی و اقتصادی مستقل از امنیت دولت نمی‌باشد (Buzan & Waever, 1993: 43-46). اما منظور از امنیت اجتماعی از دیدگاه باری بوزان به معنای این نیست که هر گروه اجتماعی را جامعه نامید. در دیدگاه باری بوزان امنیت اجتماعی یک اصلاحی است که ناظر بر کل جامعه می‌باشد نه امنیت گروه خاصی در یک جامعه (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۰-۱۴۸). متداول‌ترین تعریف ارائه شده از دیدگاه بوزان بدین گونه است که مجموعه امنیتی عبارت است از "گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به هم گره خورده که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد". مجموعه‌های امنیتی را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. متغیرهای تاریخی مانند دشمنی‌های پایدار یا قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک، ویژگی خاص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن بر توازن قوا نیز ناشی از فشار نزدیکی جغرافیایی است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۶).

نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، نظریه‌ای روش‌شناسانه با سطح تحلیل منطقه‌ای، برای تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل است. این روش - نظریه به علت انتخاب سطح تحلیل به عنوان مبنای خود، نظریه محیط‌شناسی امنیتی نیز محسوب می‌شود. تقسیم جهان به مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، مشتمل و مرتبط با یکدیگر، موجب می‌شود تا نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، چهار سطح تحلیل متفاوت منطقه‌ای را به یکدیگر پیوند دهد، و در هر سطح، مشخص نماید که چه چیزی باید برای تحلیل مبنا قرار گیرد. در تراز داخلی یعنی در درون دولت-کشورهای منطقه‌ای^۲، آسیب‌پذیری آنها معیار اصلی است. تراز بعدی، روابط دولت‌های منطقه، با یکدیگر است. تراز سوم، تعامل یک مجموعه امنیتی با مجموعه‌های امنیتی همسایه است و در نهایت، تراز قدرت‌های جهانی و نقش آنها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد توجه است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۹).

اما بعد از ارائه مهم‌ترین متغیرهای مورد تحلیل در نظریه مجموعه امنیتی باید به ساختارهای بنیادین این مجموعه امنیتی نیز توجه شود. ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی شامل چهار متغیر است که آن را از همسایگان خود جدا می‌کند؛ ساختار آنارشیک؛ به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشند، قطب که پوشش‌دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست، ساخت اجتماعی که شامل الگوی دوستی و دشمنی میان واحدهاست؛ و مرز یک عاملی است که مجموعه ی امنیتی منطقه‌ای است که از همسایگانش جدا میکند (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

در مجموع باید گفت ایده اصلی این نظریه، این است که چون انتقال تهدیدها در فواصل کوتاه‌تر، به مراتب، راحت‌تر از انتقال آن، در فواصل طولانی‌تر است، وابستگی متقابل امنیتی به شکل طبیعی، به الگوی دسته‌بندی‌های منطقه‌ای و مجموعه‌های امنیتی تبدیل می‌شود. این نظریه به نوعی در صدد بررسی هرگونه همگرایی در راستای مبارزه با تهدیدهای مشترک، برای کشورهای معتد است. یعنی نظریه کپنهاگ به نوعی همگرایی را به دلیل داشتن قدرت مانور قابل توجه، و تاثیرگذاری موثرتر را، به دولت‌هایی ارائه می‌دهد که، در یک منطقه آشوب ساز موجودیت دارند. خاورمیانه بیش از هر منطقه دیگر، می‌تواند کانون توجه نظریه باری بوزان، اولیور ویور باشد. چرا که تهدید مشترک رژیم صهیونیستی برای محور مقاومت و ایجاد همگرایی ایجاد شده در ادوار گذشته و چه بعد از بحران‌های اخیر خاورمیانه، دو مقوله مورد توجه این نظریه (تهدید مشترک و همگرایی)، می‌باشد. در این مقاله با توجه به تهدیدی که روابط اقلیم کردستان عراق برای محور مقاومت و به خصوص ایران در خاورمیانه ایجاد کرده است، می‌توانیم آن را یک تهدید مشترک برای این کشورها بدانیم. به همین منظور است که نظریه امنیتی کپنهاگ را به عنوان چارچوب نظری برگزیدیم. چرا که این نظریه جدا از تهدیدهای نظامی به تهدیدهای نرم افزاری نیز توجه داشته است. به همین منظور با استناد به این نظریه مهم‌ترین تهدیدهای روابط اقلیم کردستان عراق و رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران مختصراً اشاره میشود:

¹ Anarchic Structure

² State-Regional States

۵- روابط رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق و رویکرد تجزیه طلبی

در مورد حمایت رژیم صهیونیستی از استقلال کردستان عراق در ادوار مختلف، به ویژه سال ۲۰۱۷ که این منطقه اقدام به برگزاری همه پرسی استقلال طلبی کرد، «مئیر جاودانفر» استاد دانشگاه هرتزلیا در اسرائیل، بیان کرد که: "برای اسرائیل بسیار مهم است که یک کشور غیرعرب دیگر در منطقه تأسیس شود. ما نقاط مشترک زیادی با کردها داریم. ما در این منطقه اقلیت غیرعرب هستیم که زیر حملات کشورهای عرب در این چند سال و چند دهه اخیر بودیم. ما می دانیم که برخی کشورهای عرب منطقه که حامی جمهوری اسلامی ایران هستند با استقلال کردستان مخالف اند. اگر کردستان در این همه پرسی رأی مثبت دهد، به نفع اسرائیل خواهد بود، چون به ضرر جمهوری اسلامی خواهد بود. و در عین حال اسرائیل می تواند یک شریک اقتصادی جدید و یک شریک سیاسی جدید در یک منطقه حساس خاورمیانه پیدا کند" (Namdar, 2023: 3).

از بعد دیگر تاکتیک های فشار سنتی که توسط غرب، به ویژه ایالات متحده برای تقویت رژیم صهیونیستی و تضعیف کشورهای اسلامی خاورمیانه استفاده می شود، در تسلیم کردن جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین منافع ملی خود، در منطقه ناکافی و ناکارآمد بوده است. بنابراین، اسرائیل و آمریکا رویکرد متفاوتی را ارائه کردند که جمهوری اسلامی ایران را تضعیف و از دامنه نفوذ آن جلوگیری کنند؛ و آن ایجاد فضای جدایی طلبی و استقلال اقوام ایرانی به ویژه کردهای این منطقه می باشد. این امر می تواند منجر به تقسیم ایران به شش دولت قومی شود که هر کدام نماینده یکی از قومیت های ساکن ایران مانند آذری ها، کردها، عرب ها، بلوچ ها و ترکمن ها هستند. جنبه دوم در حساسیت رویکرد اسرائیل به بحران هویت و یکپارچگی ملی در ایران نهفته است، معضلی که نسبت به دوره های تاریخی پیشین، به میزان قابل توجهی تشدید شده است. و رژیم صهیونیستی از طریق نزدیک شدن به مرزهای جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد که میزان نارضایتی های اقوام ترک و کرد، با حضور فعال رسانه ها و مطبوعات خود در اقلیم کردستان عراق و آذربایجان، توسعه دهد و با حمایت های بین المللی و رسانه ای دول غرب، تجزیه عراق و ایران را سریع تر کند (Brig. Gen, 2024: 6-8). بنابراین برای عملی شدن این راهبرد سیاست خارجی، مهم ترین اهدافی که تلاویو از همگرایی با اقلیم کردستان عراق به عنوان یکی از اهرم های فشار بر جمهوری اسلامی ایران، در ادوار گذشته دنبال کرده است، اهداف سیاسی، اقتصادی است تا بشر دوستانه.

۵-۱-۱- اهداف سیاسی

اهداف سیاسی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق عبارتند از:

۵-۱-۱-۱- توسعه نفوذ

حضور یک دولت ضعیف در عراق، همراه با مناقشات تاریخی بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق، مزیت منحصر به فردی را برای رژیم صهیونیستی از نظر سازماندهی و دسترسی به جهان خارج در مقایسه با سایر کردهای خاورمیانه فراهم کرده است. زمانی که اسرائیل پس از انقلاب ایران دسترسی به مهمترین کشورهای خاورمیانه از جمله ایران را از دست داد، محتمل ترین فرصت برای بازگشت پس از سرنگونی صدام حسین به عراق به وسیله اقلیم کردستان بعد از خودمختاری به وجود آمد. بعد از برگزاری همه پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ و حمایت های مستقیم تلاویو از این موضوع، اسرائیل به منظور عملی شدن این مسئله، لابی های یهودی با نفوذ در کنگره ملی آمریکا را تحت فشار قرار داد تا دولت آمریکا را برای حمایت از استقلال اربیل مجاب نمایند (Parello-Plesner & at al: 2017: 1-5). چرا که یک کشور مستقل غیر عربی در بطن محور مقاومت ایجاد خواهد شد که برای تلاویو به نوعی، خروج از بن بست سیاسی محور مقاومت بود. به این معنا که رژیم صهیونیستی از تجزیه عراق و ایجاد یک دولت مستقل کردی در شمال این کشور، به عنوان یک پل پرش تلاش دارد استفاده کند و این رویکرد را در زمان برگزاری همه پرسی اقلیم کردستان عراق نشان داد. اسرائیل بر این باور است که می

تواند همکاری نظامی و اطلاعاتی نزدیک و استراتژیکی با «کشور مستقل کردستان» داشته باشد و جای پای محکمی برای خود در همسایگی با ایران ایجاد کند (Bradost, 2024: 4-11). به این ترتیب اسرائیل می‌تواند حوزه نفوذ خود را علیه ایران، سوریه و عراق گسترش دهد. به این دلیل که با استقلال این منطقه و توسعه نفوذ خود، چه بسا بتواند نیروهای مورد تایید کشورهای غربی را در اربیل مستقر کند و سمت‌های کلیدی آن را، در اختیار آنها قرار دهد. این مسئله زنگ خطری برای ایران بوده و هست.

۵-۱-۲- تضعیف جایگاه ایران

از منظر منطقه‌ای، ایران ضمن اعتقاد به قانون فدرالیسم ۲۰۰۵، از روند دولت‌سازی، تمامیت ارضی، حفظ ثبات و اهمیت برتری دولت مرکزی در برابر کردها حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، ایران تحولات سیاسی و دیپلماسی با جمهوری اسلامی ایران را با موافقت دولت مرکزی دنبال می‌کند و تضادها و اختلافات بین جمهوری کردستان و دولت مرکزی را که منجر به ناآرامی و واگرایی سیاسی در عراق می‌شود، خط قرمز خود می‌داند. از منظر بین‌المللی، ایران، KRI را محلی برای حضور قدرتمند اسرائیل و آمریکا دانسته و حضور این بازیگران را دو رقیب متخاصم علیه منافع ملی خود و عامل محاصره ژئوپلیتیکی خود می‌داند و به‌ویژه با روابط جمهوری کردستان با اسرائیل به شدت مخالف است (Salami, 2023: 5-7). به همین منظور رژیم صهیونیستی به منظور تضعیف جایگاه ایران در اقلیم کردستان عراق، تلاش دارد که روابط سیاسی خود را توسعه دهد. در بحبوحه تهدیدات تهران، مبنی بر خلع سلاح و اخراج گروه‌های اپوزیسیون کرد ایرانی و ترس از کاهش استقلال و وابستگی به دولت مرکزی، KRI در وضعیت بحرانی قرار دارد. به همین منظور اقلیم کردستان عراق نیز با رژیم صهیونیستی برای کاهش این فشارها روابط سیاسی خود را توسعه دادند چرا که مهم‌ترین و کارآمدترین تصمیم برای ایجاد تعادل بین آنها، همچنین ابزاری برای برون رفت از این بحران بوده است (Chomani, 2022: 6-10).

در این قالب و بعد از رصد قدرت روابط حسنه بین بغداد و تهران، اربیل و تلاویو به منظور رسیدن به اهداف قومی و ملی خود تلاش کردند که روابط سیاسی خود را به منظور مقابله با جمهوری اسلامی ایران تقویت نمایند. بنابراین در اقدامی بسیار تنش‌زا، اقلیم کردستان عراق، در ۴ مهر ماه سال ۱۴۰۰ میزبان «کنفرانس به اصطلاح صلح» در اربیل با حضور بیش از ۳۰۰ نفر بود که با استقبال رسانه‌های صهیونیستی همراه شد. این کنفرانس که با حضور شخصیت‌های قبیله‌ای و رهبران سابق حزب بعث برگزار شد بر عادی‌سازی با رژیم تل‌آویو تأکید کرد. در حالی که زائران زیادی از ایران به منظور زیارت کربلا و راهپیمایی اربعین در عراق بودند. به نظر می‌رسد این روابط بین اربیل و تلاویو به این معنا باشد که هم ایدئولوژی مذهبی محکمی که بین عراق و ایران وجود دارد برای آنها بی اهمیت شده و تلاش کردند که آن را از بین ببرند و در بعد دیگر، جایگاه جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کنند. چرا که جمهوری اسلامی ایران وجود و حضور گسترده رژیم اشغال‌گر قدس در اقلیم کردستان عراق را یک تهدید علیه امنیت خود و محور مقاومت می‌داند.

۵-۱-۳- انسداد مسیرها بین ایران و محور مقاومت

سیمور هرش در سال ۲۰۰۴ گزارشی را درباره چنین عملیاتی در مجله نیویورکر منتشر کرد. وی نوشت: "عوامل اطلاعاتی و نظامی اسرائیل، اکنون به صورت پنهانی سرگرم کار در کردستان هستند. آنان واحدهای کماندویی گُرد را آموزش می‌دهند و چیزی که برای اسرائیل اهمیت بیشتری دارد اینکه در داخل مناطق کردی ایران و سوریه، و عراق عملیات پنهانی انجام می‌دهند." بنا بر نظرات تحلیلگر یاد شده آنچه که به عنوان مهم‌ترین ماموریت رژیم صهیونیستی، از آماده سازی این نیروها و ورود نیروی نظامی ارتش رژیم صهیونیستی به منطقه کردستان در سال ۲۰۲۰ بوده است (Azizi, 2024: 4-8). بنابراین در صورت استقلال اقلیم کردستان عراق در آینده و تجزیه عراق، نیروی نظامی اسرائیل با توجه به سابقه تاریخی روابط طرفین وارد این منطقه خواهند شد. گرچه اکنون نیروهایی هم در آنجا دارند. بر این اساس ارتباط زمینی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای

عضو محور مقاومت با خطرات قابل توجهی مواجه می‌شود. چرا که رژیم صهیونیستی بعد از بحران‌هایی که در عراق و سوریه در نتیجه فعالیت‌های تروریستی و تکفیری صورت گرفت، روابط زمینی و ترانزیتی بین کشورهای عضو محور مقاومت را یک نقطه قوت برای آن‌ها و تهدیدی جدی برای تلاویو می‌داند به همین منظور توسعه روابط سیاسی بین اربیل و تلاویو تا استقلال این منطقه و قطع روابط یاد شده را به عنوان یک راهبرد مهم برای خود می‌داند. و البته با توجه به تحولات اخیر در فلسطین اسرائیل به طرق مختلف به دنبال نفوذ بیشتر در کردستان عراق است.

۵-۱-۴- تنش قومیتی در مرزهای ایران

تنش‌های قومیتی که در زمان صدام بین اعراب و اکراد ایجاد شده است، به رغم بیان این دو قوم مبنی بر عدم وجود تنش، هنوز بر جا مانده است. به همین منظور است که رژیم صهیونیستی این مسئله را به خوبی درک کرده است و از بین اعراب اهل تشیع، که با محور مقاومت و کردهای شمال عراق روابط محکمی ایجاد کرده است، اقلیم کردستان عراق را مورد چتر حمایتی خود قرار داده است. همانگونه که در مطالب فوق به آن اشاره شد، برگزاری همایش به منظور عادی سازی روابط بین اربیل و تلاویو موجی از تنش‌های قومیتی در عراق بین اعراب و کردها را ایجاد کرد که نمونه بارزی از نقش رژیم صهیونیستی به منظور افزایش تنش قومیتی بین آنها است. به این معنا که، موجی از خشم مردمی را برانگیخت و نخبه‌های ملی و رهبران دینی خواستار موضعی قاطعانه و شجاعانه علیه این رویداد شدند. چرا که روابط اقلیم کردستان عراق و تلاویو به گونه‌ای بود، که گروه‌ها و احزاب کردی از تجهیزات و تسلیحات نظامی رژیم صهیونیستی علیه مرزها و مواضع جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده و نیروهای جوان مناطق مرزی را به تلاویو به منظور آموزش‌های نظامی ارسال می‌کردند. و باعث ایجاد تنش‌های قومی بین اعراب و کردهای عراق، از یک طرف و سوگیری‌های منفی کردهای ایران از طرف دیگر علیه مواضع تهران شده بود. جمهوری اسلامی ایران نیز به این منظور با دولت عراق یک تفاهم نامه امنیتی و سیاسی امضا کردند که دو کشور به صورت مشترک تلاش کنند از تنش قومی و مذهبی در منطقه جلوگیری کنند و امنیت مرزهای خود را تامین نمایند. در این مورد نیز باسم العوادی، سخنگوی دولت عراق اعلام کرد که دو کشور "توافقنامه ای برای جلوگیری از نفوذ شبه نظامیان کرد در مناطق مرزی عراق و ایران، خلع سلاح آنها، تحویل افراد تحت تعقیب و حذف اردوگاه‌ها امضا کردند" و تاکید کرد که یکی از اصول مهم سیاست خارجی بغداد در مورد تنش‌های قومی ایجاد شده ناشی از نفوذ تلاویو علیه شیعیان در اقلیم کردستان عراق، این است که «عراق نباید طرف آسیب رساندن به همسایگان خود باشد». و مقامات عالی رتبه کرد باید به این اصل و مهم پایبند باشند و از توسعه نفوذ رژیم صهیونیستی جلوگیری کنند (Wilgenburg, 2024: 2-4). حتی در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ احزاب کرد معاند در کردستان عراق توسط موساد آموزش‌های نظامی دیده بودند.

۵-۲- اهداف اقتصادی

رژیم صهیونیستی با هماهنگی آمریکا نیز به منظور تقویت این راهبرد خود تلاش دارند که از طریق ترکیه و کشورهای عربی صادرات انرژی اقلیم کردستان عراق به کشورهای اروپایی را نسبت به قبل به نحو قابل چشم‌گیری توسعه دهند. تا از این منطقه در مقابل دولت مرکزی و جمهوری اسلامی ایران حمایت کند و آن را برای تبدیل به یک بازیگر مهم در منطقه و یک حاکمیت دست‌نشانده خود محیا سازد. پروژه توسعه میدان گازی «خور مور»، یکی از اقدامات رژیم صهیونیستی برای صادرات گاز اقلیم به اروپا و کشورهای غربی می‌باشد (Halabi, 2023: 32-35).

به همین ترتیب، همکاری‌های انرژی و نظامی-امنیتی نیز نقش مهمی در توسعه روابط اسرائیل و اقلیم کردستان داشته است. بر اساس گزارشی که گاردین در سال ۲۰۰۵ منتشر کرد، پیشمرگه‌های کرد توسط نیروهای مخفی اسرائیل در کردستان عراق آموزش دیده بودند همچنین فروش نفت اقلیم کردستان به اسرائیل نیز در همین زمان آغاز شد. بر اساس برخی گزارش‌ها، اقلیم کردستان در دسامبر ۲۰۲۲، حدود ۳۸ درصد نفت خود را به اسرائیل صادر و پس از اعلام حمایت بنیامین نتانیاهو، نخست

وزیر اسرائیل از همه پرسى استقلال اقليم كردستان، اربيل از توافقنامه ابراهيم حمايت كرد و حتى ميزبان نشستى در منطقه كردستان به منظور بررسى عادى سازى روابط بين اسرائيل و كشورهاي عربى بودند. نکته مهمتر اين كه در حوادث اخير فلسطين مسؤلين كردستان عراق والته مردم اين منطقه هيچ عكس العملى از خود نشان ندادند كه اين نشان از صميميت روابط دوطرف است؛ لذا تقاضاى «هماهنگى و ادغام در توافقنامه ابراهيم و عادى سازى روابط با اسرائيل»، در بيانیه پايانى اين نشست نشان دهنده تمايل كردها به حفظ روابط نزديك با اسرائيل است (Vazirian, 2023: 2-10).

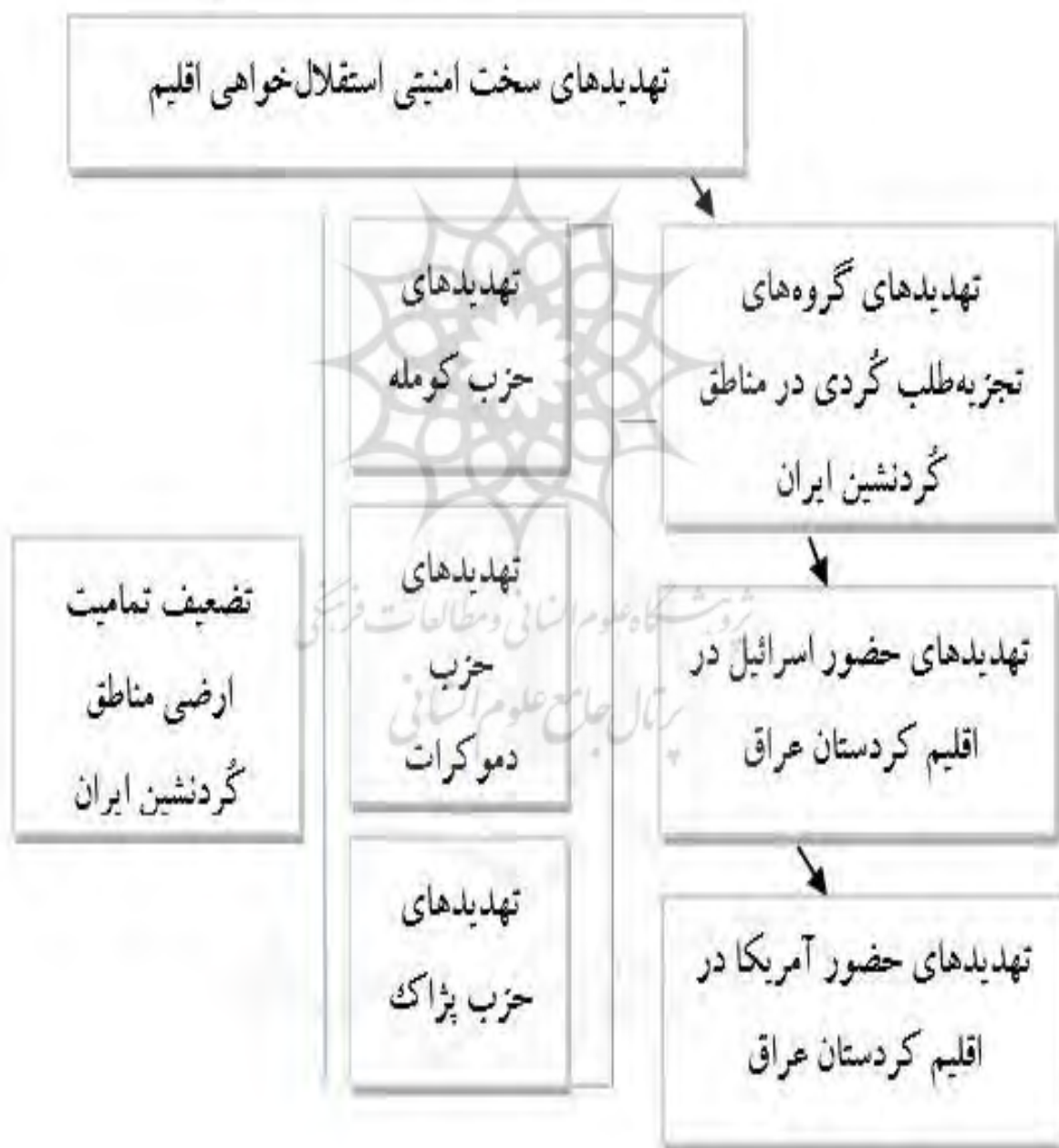
با وجود تحريم‌هاى بعد از همه‌پرسى اقليم كردستان عراق توسط ايران و تركيه، مقامات اربيل را متوجه اين مسئله كرد كه بايد همكارى اقتصادى خود را با كشورهاي غربى توسعه دهند تا از اين مسير ديگر تحت فشار منطقه‌اى قرار نگيرند. رژيم صهيونيستى و آمريكا نيز از اين خلاء قدرت اقتصادى و تجارى و امنيتى شدن منطقه، نهايت استفاده را كردند و اهرم اقتصادى و تجارى با وجود ميزان تورم-بيكارى- فقر در كردستان عراق، را مباني همكارى خود با اربيل قرار داده و اين مسئله باعث همكارى آنها، بيش از ادوار گذشته شده است. بنابر اين ميزان و حجم سرمايه گذارى آنها در اربيل عراق كه در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال سقوط صدام ۲۳٪ افزايش يافته و بعد از تنش هاي منطقه‌اى ناشى از درگيرى بين دولت مركزى و اربيل به ۳۴٪ افزايش يافته است (Khder Aga, 2023:332-348).

۵-۳- تجميع گروهك‌هاى معاند

راهبرد رژيم صهيونيستى در منطقه اقليم كردستان بعد از بهار عربى تجميع گروهك‌هاى معاند و حمايت مالى، سياسى و.. از آنها بوده است؛ در بحث حمايت رژيم صهيونيستى از گروه‌هاى معاند و تجزيه طلب كرد و خاورميانه ذكر اين مسئله لازم به نظر مى‌رسد كه تلاويو حمايت‌هاى خود را، از اين گروه‌ها در كشورهاي عضو محور مقاومت به ويژه ايران-سوريه-عراق به شكل يكنواخت بيش از هر زمان ديگر به منظور تضعيف محور ياد شده و تجزيه اين كشورها بوده و آن را توسعه داده است. به عنوان مثال، اسرائيل از ايالات متحده بعد از حمله تركيه به گروه تروريستى پ ك ك در شمال سوريه و وابسته‌هاى آن، در خواست كرد كه از عمليات نظامى جديد تركيه در شمال سوريه جلوگيرى كند، اين اقدام نشان داد كه اسرائيل مانند روسيه، ايران و تركيه نيز منافع خاص خود را در شمال سوريه دارد. نه براى تامين امنيت پاينگاه‌هاى نظامى يا مبارزه با عناصر ايرانى يا سوري در منطقه، بلكه براى حمايت يا حداقل دفاع از گروهى از شبه‌نظاميان مسلح كه براى تشكيل يك دولت كرد مستقل و مجزا مى‌جنگند (Hussein, 2022: 2-6). با اين حال، حتى جداى از اين اقدام اخير، اسرائيل از مدت‌ها قبل از گروه‌هاى كرد در طول سال‌ها حمايت كرده است. اين اقدام عمدتاً به زعم مقامات رژيم صهيونيستى حمايت اخلاقى بوده است، زيرا دولت اشغالگر با هدف ايجاد يك دولت جداگانه كرد در منطقه بر اساس سند راهبردى خود يعنى تجزيه كشورهاي عضو محور مقاومت عمل مى‌كند. اين حمايت مى‌تواند مادى و نظامى از اين گروه‌ها نيز باشد، چرا كه تمام گروه‌هاى كردى تجزيه طلب و تروريست منطقه توسط ارتش رژيم اشغال گر قدس آموزش ديده‌اند.

نتاياهو نخست وزير رژيم صهيونيستى از زمان شروع بحران‌هاى خاورميانه و توسعه فعاليتهاى تروريستى تكفيرى در بين كشورهاي محور مقاومت وقت را مناسب ديد و از آمريكا و كشورهاي اروپايى درخواست داشت كه، اسلحه‌هاى سنگينى را كه كردها براى مبارزه براى استقلال نياز دارند، فراهم كند. و عنوان اين راهبرد را "اتحاد كردها، شوراي همكارى خليج فارس، فرانسه و اسرائيل براى توقف ايران به عنوان رهبر محور مقاومت" نامگذاري كرد. او تصور مى‌كرد كه كاهش حمايت از فلسطينيان در ميان كشورهاي خليج و محور مقاومت به اين معنى است كه سعودى‌ها و ديگر رهبران شوراي همكارى خليج فارس مى‌تواند محور مقاومت را به وسيله تجزيه و تقويت ارتش كرد مهار كرده و ارتش آن‌ها را به منظور تنش با تلاويو به نحو قابل چشم‌گيرى تضعيف نمايد (Rubin, 2023: 4-9). به همين منظور عمده تمرکز خود را بر مناطقى گذاشتند كه زمينه اختلاف با محور مقاومت و تجزيه را قبلاً فراهم كرده‌اند و مسير نفوذ براى رژيم صهيونيستى بيش از هر منطقه‌اى ديگر فراهم كرده است. لذا حمايتهاى خود را، در ابعاد گوناگون از اقليم كردستان دريغ نكرده و با گروه‌هاى معاندى كه در اين منطقه

حضور دارند رابطه هماهنگی را برقرار نمودند. چرا هم پ ک ک و هم گروه‌های تجزیه طلب که در صدد تجزیه ایران هستند در اقلیم کردستان مقرهای خود را تقویت کرده و این مسئله باعث شد که رژیم صهیونیستی بیش از هر زمان دیگر امروزه با توسعه درگیری بین حماس و تلاویو فرصت را مناسب دانسته تا آنها را تجهیز کند. چرا که زمینه‌های این راهبرد قبلاً توسط مقامات اربیل فراهم شده است. در این مورد باید به این موضوع نیز اشاره شود که، "مسعود بارزانی در سال ۲۰۱۱ میلادی طی دیداری که با افسران ارشد دو سازمان اطلاعاتی موساد (اسرائیل) و سیا (آمریکا) داشته، پس از دریافت وعده‌های مالی و تسلیحاتی از این دو رژیم، منطقه‌ای را به وسعت سیصد هزار هکتار بدون اطلاع دولت مرکزی عراق در اختیار پژاک-پ ک ک-دموکرات ایران-کومله قرار داده بود تا آنها، از این منطقه برای ایجاد تشکیلات آموزشی، اداری و تدارکاتی برای انجام عملیات مسلحانه در مناطق گردنشین کشورهای عضو محور مقاومت و ایران استفاده کند. با توجه به موارد پیش گفته، نمودار شاخص‌های تهدیدهای سخت امنیتی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق که موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق گردنشین کشورهای عضو محور مقاومت اسلامی بخصوص جمهوری اسلامی ایران گردیده، به شرح زیر ترسیم می‌گردد.



نمودار بالا یک نکته قابل توجهی می‌تواند داشته باشد. رژیم صهیونیستی با توجه به سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی که به منظور تجزیه کشورهای عضو محور مقاومت به رهبری ایران انجام داده است، آن‌ها را به صورت سیستماتیک نیز به هم وصل نموده تا هماهنگی قدرت مانور داشته باشند. به این معنا وقتی که ما صحبت از پژاک می‌کنیم یعنی پ ک ک و وقتی صحبت از این گروه تروریستی به میان می‌آید به معنای اتصال این سه گروه به نیروهای کرد تجزیه طلب سوریه ypg است. به همین منظور باید به این مسئله نیز توجه کرد که، هماهنگی رژیم صهیونیستی با این سه گروه یعنی تقویت گروه‌های معاند در خاورمیانه و کشورهای عضو محور مقاومت است. تحولات اخیر در سوریه را نباید جدا از این راهبرد دانست زیرا با آتش بس شصت روزه، زمینه را برای تقویت کردها و گروه‌های تروریستی فراهم کردند تا تمرکز بر سوریه شود و اسرائیل به تقویت نیروهای خود برای مبارزه با حماس بپردازد.

۵-۴- فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی موساد در اقلیم کردستان عراق

سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی اسرائیل بی‌وقفه به آموزش کردها در کردستان عراق به منظور شورش و اقدام‌های جاسوسی در ایران، سوریه و مقابله با نفوذ شیعیان و شورشیان سنی پرداخته و درواقع اسرائیل، با تشکیل یک حکومت مستقل کردی در خاورمیانه تلاش دارد زنجیره‌ی میان شیعیان را کاملاً قطع کند. و از این طریق بتواند با استقرار سامانه‌های جاسوسی و اطلاعاتی خود، در اقلیم کردستان، و نزدیک به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، که از جمعیت قابل توجهی از مردم کرد زبان برخوردار هستند اشرافیت اطلاعاتی داشته باشند و فعالیت‌های آنها را مدیریت نماید- (Akhavan Kazemi and et.al., 2018: 28). (29) مسعود بارزانی نیز بعد از عدم موفقیت در برگزاری اقلیم کردستان عراق، بیان کرد که "روابط اربیل و تلاویو یک نوع همکاری در منطقه می‌باشد که برای طرفین به منظور رسیدن به منافع ملی هر دو بازیگر مهم است". بنابراین رژیم صهیونیستی، با توجه به تمایل و همکاری اربیل با خود، تلاش کرد که میزان نفوذ خود را در مرزهای ایران به ویژه بین نیروهای ضد انقلاب و تجزیه طلب، توسعه دهد. این محور یعنی همگرایی اربیل-تلاویو، می‌تواند، توانایی‌های تلاویو را افزایش دهد و به استراتژی «مرگ هزار بریدگی محور مقاومت» اسرائیل، علیه ایران بعد جدیدی ببخشد. با توجه به نزدیکی جغرافیایی محور تلاویو-اربیل به ایران، این استراتژی می‌تواند تشدید شود و دامنه موساد در عملیات‌های مخفی، از جمله ترورهای هدفمند، خرابکاری، مواد منفجره، و عملیات سایبری برای تضعیف برنامه هسته‌ای و نظامی ایران یا دامن زدن به قومیت‌ها افزایش یابد (Alaaldin, 2024: 8-10).

این رژیم در شمال عراق هدفهای منطقه‌ای را دنبال می‌کند و می‌کوشد چتر امنیتی و اطلاعاتی در مناطق گردنشین عراق-سوریه- و به ویژه ایران ایجاد کند. پراکندگی جغرافیایی کردها، عملیات جمع‌آوری پنهان اطلاعاتی جاسوسان موساد را تسهیل کرده و حضور آنان در این اقلیم که منجر به توسعه نفوذشان میان کردها گردیده، نشانه‌ی برنامه‌های بلندمدت این رژیم در شمال عراق است. حتی اگر حضور آنان موقت باشد، باز هم تهدیدی جدی علیه ثبات منطقه می‌باشد. درواقع حضور اسرائیل در این اقلیم از تهدیدهای سخت امنیتی و به معنای حصر مرزهای غربی و شمال غرب ایران است. این رژیم تاکنون برای حفظ موجودیت خود در منطقه از شیوه‌های مختلفی از جمله طرح قومیت گرایی و تحریک نیروهای گریز از مرکز در مناطق گردنشین استفاده کرده است (حیدری و همکاران ۱۳۹۹: ۹۹-۹۲). البته استفاده فقط به معنای استقلال و تجزیه نمی‌تواند باشد. چرا که اسرائیل از اقلیم کردستان عراق به منزله سکوی پرتاب پهبادهایی استفاده کرده است که مناطق مرزی ایران را مورد هدف خود قرار داده است. به همین منظور جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر محور مقاومت، بعد از اینکه مقر سرویس‌های اطلاعاتی و عملیاتی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق را شناسایی کرد مورد حمله راکتی قرار داد و اینگونه به آنها واکنش نشان داد. حملات موشکی تهران به اقلیم کردستان عراق نشان از فعالیت گسترده رژیم صهیونیستی در این منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۵-۵- ناآرامی اجتماعی در ایران و رویکرد رژیم صهیونیستی

با ورود و توسعه همکاری اقلیم کردستان عراق با رژیم صهیونیستی، تلاویو از عمق استراتژیک قابل توجهی به منظور ایجاد تنش داخلی در ایران برخوردار خواهد شد. چرا که از همان روزهای اول سال ۲۰۱۱ که بحران از تونس شروع و به صورت دومینووار وارد سایر کشورهای اسلامی شد اسرائیل آن را یک "جنبش مردمی"، به منظور ایجاد نظام غربی تعبیر کرده و نقش خود را در این ناآرامی‌ها به حاشیه کشانده است. در سال ۱۴۰۱ نیز با توجه به نارضایتی‌هایی که عمدتاً ممکن است در هر کشوری به صورت طبیعی ایجاد شود، در ایران نیز این اتفاق افتاد و مدتی مردم در خیابان به برخی از سیاست‌های داخلی ناراضی شده بودند که این مسئله می‌توانست توسط تربیون و سیستم‌های نظارتی حل و فصل شود. اما دول غربی و متحدان منطقه‌ای آن، این نارضایتی را به سمت یک تنش داخلی پیش برده تا نظام جمهوری اسلامی ایران در چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی با مشکل مشروعیت مواجه کنند و به زعم خود ساقط نمایند. به همین منظور بود که اسرائیل از اعتراضات داخلی اخیر ایران که ساخته‌ی دست کشورهای خارجی بود حمایت کرده و سیستم‌های امن رادیویی و اینترنتی و همچنین سلاح‌های خیابانی در اختیار افراد وابسته به خود در بین مردم قرار داد تا دامنه و میزان اعتراضات را ملی کند. به منظور تقویت این استراتژی در مرزهای ایران سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی خود را در اقلیم کردستان توسعه چشم‌گیری داده و نیروهای خبره خود را به مرزهای تهران نزدیک کرده است (Iordache, 2024: 9).

درمورد حمایت از اعتراضات اخیر در داخل ایران به بیانات چند نهاد امنیتی رژیم صهیونیستی اشاره می‌شود که در اقلیم کردستان عراق با سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی خود تنش‌های داخلی در تهران را مدیریت کرده‌اند. در این راستا، "اور هیلر" تحلیلگر نظامی رژیم صهیونیستی مستقر در اربیل به عنوان یک تحلیلگر سیاسی-امنیتی خاورمیانه، در پاسخ به این سوال که آیا نهاد امنیتی اسرائیل تحولات ایران را دنبال می‌کند، گفت: «بله، با توجه به تصاویری که از ایران می‌آید، این آرزو و رویای همیشگی که ایران از درون در حال فروپاشی است، جلوه می‌کند. این رویا از زمان انقلاب به رهبری [امام] خمینی در سال ۱۹۷۹ وجود داشته و دارد. و ما توسط دوستان خود در منطقه تلاش داریم به مردم ایران کمک کنیم» (<https://farsnews.ir/news>). البته نکته مهم‌تر از اعتراضات در ایران باید به این مسئله نیز اشاره شود که، رسانه‌های غربی و متحدان منطقه‌ای آن اغتشاشات ایران را به نوعی تحرک فمینیستی در خاورمیانه نیز تعبیر کردند. این شعار توسط رژیم صهیونیستی در غرب آسیا توسعه یافته و باعث نوعی رویکرد ضد ایرانی در اروپا و آمریکا شد. به این معنا که اتحادیه اروپا را مجاب کنند تهران و هم پیمانان منطقه‌ای آن را به عنوان ناقض حقوق بشر معرفی نمایند و تحریم‌ها را علیه ایران به عنوان رهبر محور مقاومت گسترش دهند. به ویژه در حوزه نظامی که محور مقاومت را تقویت کرده است (Council, 2023: 12-15).

ایجاد تنش داخلی و تظاهرات‌های مردمی در بطن محور مقاومت فقط مختص به ایران نبوده و نیست. چرا که در سوریه این رویکرد توسط رژیم صهیونیستی از همان اوایل بحران نمایان بوده و تا به امروز نیز ادامه داشته است. چرا که دمشق یکی از مهم‌ترین پایه‌های اصلی محور مقاومت و همپیمان با جمهوری اسلامی ایران است. از جمله مهم‌ترین اهدافی که تلاویو از تنش‌های داخلی و تظاهرات‌های مردمی در سوریه دنبال کرده است بدین منوال می‌باشد:

- ۱- دولت بشار اسد، محیط مساعدی را برای ایران، شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران و شبه‌نظامیان فلسطینی فراهم می‌کند
- ۲- ارتش سوریه به دلیل تهدید گروه‌های شورشی مسلح که هنوز در بخش‌های وسیعی از کشور فعالیت می‌کنند، به جنگ علیه اسرائیل نخواهد پیوست.

- ۳- دولت سوریه در صورت نبود تنش داخلی و تظاهرات‌های داخلی از منابع مالی-تجاری و اقتصادی خود برای بهبود موقعیت سیاسی داخلی و منطقه‌ای خود استفاده می‌کند. به همین منظور است که باید به وسیله سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی خود، همیشه در بطن این کشورها یک نوع تنش ایجاد شود تا تمرکز محور مقاومت به بحران‌های داخلی معطوف شود نه رژیم صهیونیستی و مردم فلسطین (Sharp, 2024: 8-13).

در عراق نیز این رویکرد با شدت قابل توجهی دنبال شد به این معنا که رژیم صهیونیستی از تنش‌ها و تظاهرات‌های داخلی در بغداد، که به دلایل داخلی و سیاسی ایجاد شده بود حمایت کرده تا عراق را به سمت تغییر نظام و یا تجزیه سوق دهد. چرا که بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و روی کار آمدن یک دولت شیعه و همخوان با جمهوری اسلامی ایران، عراق یکی از بازوان اصلی محور مقاومت و حامی مردم فلسطین تبدیل شده و تضعیف عراق و خروج از بطن محور مقاومت فقط یا باید به وسیله تجزیه، که دول غربی طراح اصلی آن هستند و یا باید یک نظام دست‌نشانده کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی روی کار بیاید.

۶- نتیجه

عمق و قدمت روابط سری میان دولت اقلیم کردستان عراق و رژیم صهیونیستی به ویژه سرویس‌های جاسوسی این رژیم دیگر بر کسی پوشیده نیست و همکاری مشترک آن‌ها حول محور همکاری نظامی، امنیتی و اقتصادی است. اکنون با توجه به بحران‌های خاورمیانه بخصوص بحران فلسطین و در شرایط فعلی افزایش بحران سوریه، برای رژیم صهیونیستی داشتن یک متحد غیر عرب را در همسایگی ایران، فرصت خوبی است برای انحراف افکار عمومی از یک طرف و درگیر کردن ایران از طرف دیگر؛ تا میزان تاثیرگذاری خود را به منظور تهدیدهای ناشی از ایران بیش از هر زمان دیگری خنثی کند. و نیز اقلیم کردستان عراق را به یک بازیگر تاثیرگذار در منطقه تبدیل نماید تا از طریق این منطقه بتواند اهداف راهبردی و تاکتیکی خود را دنبال کند. براین اساس حضور نیروهای اسرائیل در مرزهای ایران، به عنوان یک بحران امنیتی باید بررسی و مدیریت شود.

منابع

- اسماعیل زاده امامقلی یاسر و احمدی فشارکی (۱۳۹۵). "داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ". فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸
- بوزان، باری و اولی ویور، (۱۳۸۸). "مناطق و قدرت‌ها". ترجمه: رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). "مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل". ترجمه رحمن قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). "مردم، دولت‌ها و هراس". ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- داداندیش، پروین و ولی کوزه‌گرکالجی، (۱۳۸۹). "بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی". فصلنامه راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۶، صص ۷۳-۱۰۷.
- کرم‌زادی، مسلم و فهیمه خوانساری‌فرد، (۱۳۹۱). "دولت‌سازی در قفقاز جنوبی؛ شکست‌ها و موفقیت‌ها". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸، صص ۱۶۶-۱۳۷.
- سازمند بهاره و مهدی جوکار، (۱۳۹۵). "مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس". فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۱۷۷-۱۵۱.
- طاهری، ابوالقاسم و عبدالمجید سیفی، (۱۳۹۳). "امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای". فصلنامه سیاست‌پژوهی، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۲۹.
- عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- قیصری، نوراله، (۱۳۹۳). "مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرش نوین". فصلنامه آفاق امنیت، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۵۶-۲۷.

—حیدری قاسم (۱۳۹۹). "استقلال خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران". فصلنامه مطالعات بین المللی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۶۵. ص: ۸۷-۱۱۵.

- Alaaldin, R. (2024). "Assessing Qatar's Deepening Ties to Iraqi Kurdistan". Available in: https://mecouncil.org/blog_posts/assessing-qatars-deepening-ties-to-iraqi-kurdistan. Accessed on: 19 September 2024.
- Azizi, H. (2024). "Iran and Gaza In Regional Perspective: Wining The Battle, Butlosing The War?". Available in: <https://www.clingendael.org/publication/iran-and-gaza-regional-perspective-winning-battle-losing-war>. Access date: 05 Mar 2024.
- Bahrani, W. (2024). "For regional security, Zionist presence in Erbil and US occupation of Iraq must end." Available in: <https://www.presstv.ir/Detail/2024/01/22/718684/regional-security-zionist-presence-erbil-us-occupation-iraq-end>. Accessed on: 22 January 2024.
- Bradost, S. (2024). "The Kurdish struggle in Iran: Power dynamics and the quest for autonomy." Available in: <https://www.clingendael.org/publication/kurdish-struggle-iran-power-dynamics-and-quest-autonomy>. Accessed on: 3 July 2024.
- Brig, G. (2024). "How to Win the Thirty Years' War with Iran". Available in: <https://besacenter.org/how-to-win-the-thirty-years-war-with-iran>. Accessed on: 7 July 2024.
- Chomani, K. (2022). "Big Brother is watching: Evolving relations between Iran and the Kurdistan Region of Iraq." Available in: <https://www.jstor.org/stable/resrep40281>. Access date: 1, Mar, 2022
- Council Atlantic (2023). "Twenty questions (and expert answers) about Iran one year after Mahsa Amini's death." Available in: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/twenty-questions-and-expert-answers-about-iran-one-year-after-mahsa-aminis-death>. Accessed on: 13, September, 2023.
- Halabi, B. (2023). "Baghdad, Erbil deal expected within weeks: Minister." Available in: <https://www.argusmedia.com/en/news-and-insights/latest-market-news/2445624-baghdad-erbil-deal-expected-within-weeks-minister>. Accessed on: 05/04/2023.
- Hussein, M. (2022). "Israel will use the Kurds as a tool, yet Turkiye still normalized relations." Available in: <https://www.middleeastmonitor.com/20220811-israel-will-use-the-kurds-as-a-tool-yet-turkiye-still-normalised-relations>. Accessed on: 11 August 2022.
- Iordache, R. (2024). "Middle East crisis: Houthis say U.S., U.K. will pay a 'heavy price' after Yemen strikes." Available in: <https://www.cnbc.com/2024/01/12/live-updates-latest-news-on-the-middle-east-and-the-red-sea-crisis.html>. Accessed on: 12, Jan 2024.
- Khder Aga, A. (2023). "The Impact of Financial Globalization on Economic Growth in the Kurdistan Region of Iraq: An Empirical Investigation". Available in: https://www.researchgate.net/publication/377577386_The_Impact_of_Financial_Globalization_on_Economic_Growth_in_the_Kurdistan_Region_of_Iraq_An_Empirical_Investigation. Accessed on: 6, December 2023.
- Porter, L. (2023). "Islamic Resistance in Iraq appears to be responsible for attacks in the country." Available in: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/islamic-resistance-in-iraq-israel-hamas>. Access date: 22 November 2023.
- Parello-Plesner, J., & et al. (2017). "A Report from the Kurdish Independence Referendum: Perspectives and Policy Implications for Stabilizing Iraq After ISILA" "School in Christian Town of Bartella named after Iran's Ayatollah Khomeini," Kurdistan 24, September 18, 2017, <http://www.kurdistan24.net/en/news/7a58aa6f-5d30-4b8a-84d6-fbfe63161891>.
- Rubin, M. (2023). "Israel Should Openly Support the PKK." Available in: <https://www.aei.org/op-eds/israel-should-openly-support-the-pkk>. Accessed on: 17 October, 2023.

- Salami, M. (2023). "Iran's goals and strategy for expelling Kurdish opposition groups in the Kurdistan region of Iraq." Available in: <https://cfri-irak.com/en/article/irans-goals-and-strategy-for-expelling-kurdish-opposition-groups-in-the-kurdistan-region-of-iraq-2023-09-13>. Access date: 13, September, 2023.
- Sharp, A. (2024). "U.S. Launches Retaliatory Strikes on Iran-Linked Targets in Iraq, Syria." Available in: <https://foreignpolicy.com/2024/02/02/us-iran-irgc-strike-syria-iraq-israel-farmers-unions-france-protests>. Accessed on: 2 September 2024.
- Vazirian, A. H. (2023). "The Expansion of Baku-Erbil Relations and its Impact on Iran." Available in: <https://manaramagazine.org/2023/04/baku-erbil-relations-and-iran>. Accessed on: 19 April, 2023.
- Wilgenburg, W. (2024). "Iran's Pressure Campaign on Iranian Kurds Continues." Available in: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-pressure-campaign-iranian-kurds-continues>. Accessed on: 13, Sep, 2023.

